



سرشناسه: زینلی، اعظم، ۱۳۶۱-
 عنوان و نام پدیدآور: مثل قصه‌های لیلی (سردار شهید حسینیعلی قوقه‌ای به روایت همسرش معصومه عرشی)/
 اعظم زینلی. [برای] کنگره بزرگداشت سرداران و دو هزار و پانصد شهید شهرستان نجف‌آباد.
 مشخصات نشر: اصفهان، ستارگان درخشان، ۱۳۹۱.
 مشخصات ظاهری: ۹۶ص: . مصور.
 فروست: لاله‌های سپید؛ ۳.
 شابک: ۶-۵۸-۶۰۹۸-۶۰۰-۹۷۸
 وضعیت فهرست‌نویسی: فیپا
 موضوع: قوقه‌ای، حسینیعلی، ۱۳۳۰-۱۳۶۱
 موضوع: عرشی، معصومه، ۱۳۳۶- - خاطرات
 موضوع: جنگ ایران و عراق، ۱۳۵۹-۱۳۶۷- - شهیدان -- داستان
 موضوع: شهیدان ایران -- نجف‌آباد -- بازماندگان -- خاطرات
 موضوع: داستان‌های فارسی -- قرن ۱۴
 شناسه افزوده: کنگره بزرگداشت سرداران و دو هزار و پانصد شهید شهرستان نجف‌آباد. (۱۳۹۱: نجف‌آباد)
 رده‌بندی کنگره: ۱۳۹۱ ق ۹م ۲/ ۱۶۲۶ DSR
 رده‌بندی دیویی: ۹۵۵/۰۸۴۳۰۹۲
 شماره کتابشناسی ملی: ۲۸۲۷۰۲۴

مثل قصه‌های لیلی

مثل قصه‌های لیلی

سردار شهید حسینعلی قوقه‌ای
به روایت همسرش معصومه عرشی

اعظم زینلی

کنگره بزرگداشت سرداران و دو هزار و پانصد شهید شهرستان نجف‌آباد

مثل قصه‌های لیلی

(سردار شهید حسینی قوچه‌ای به روایت همسرش معصومه عرشی)

نویسنده: اعظم زینلی

ناشر: ستارگان درخشان

مدیر هنری: عبدالحمید امانی

ویرایش متن: لیلا کریمیان

تایپ: رضوان ابراهیمی

نوبت چاپ: اول ۱۳۹۱

شمارگان: ۳۰۰۰ نسخه

لیتوگرافی و چاپ: بهار آزادی نجف‌آباد

قیمت: ۲۰۰۰۰ ریال

تلفن: ۲۷۳۲۴۹۳ دورنگار: ۲۷۳۲۴۹۴

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به کنگره بزرگداشت سرداران و دو هزار و پانصد شهید شهرستان نجف‌آباد می‌باشد.

کلمات به تنهایی روایتگر حماسه‌ها و توصیف‌گر خالق حماسه‌ها نیستند؛ اما چینش کلمات در کنار هم تداعی‌کننده‌ی حال و هوای آن روزهاست. روزهایی که با صدای تانک‌ها و مسلسل‌ها بیگانه نبودند، روزهایی که انگار خورشیدش گرم‌تر و درخشان‌تر می‌تابید و شب‌هایش با صفای دیگری به سحر می‌رسید. روزها و شب‌هایی که مثل یک خواب شیرین گذشتند، اما تعبیر این شیرینی‌ها همچنان ادامه دارد و تاریخ بهترین معبر این رؤیاهای صادقانه است و راویان تاریخ نیز.

راویانی که به دور از همسران جهادگرشان با انتظاری دلهره‌آور شب‌ها را به روز و روزها را به شب می‌رساندند. همسرانی که دست‌هاشان و دل‌هاشان با آسمان بیگانه نبود.

همسرانی که در فراق مردهاشان زندگی را با تمام سختی‌هایش رام
ساختند و به پای آن نشستند.

کتابی که در پیش رو دارید روایت زندگی زنی است که عشق
و درد را با هم تجربه کرده و در انتهایی که ابتدای جاودانگی و
حماسه‌ی شیرزنان پهنه‌ی پهناور کشورمان است مُهر ایتار و استقامت
زد، باشد که جرعه‌ای از جوهره‌ی این از خود گذشته‌ی بر صفحه‌ی
قلب‌مان بنشیند و عطر آن وجودمان را آکنده از صفای عشق کند.

کنگره سرداران و دو هزار و پانصد شهید شهرستان نجف‌آباد

سردار شهید حسینعلی قوقه‌ای

فرمانده گردان آرپی جی زن لشکر ۸ نجف اشرف در عملیات محرم

تولد: ۱۳۳۸، نجف آباد

ازدواج: ۱۳۵۸ (با معصومه عرشی، متولد: ۱۳۴۴)

شهادت: ۱۱ آبان ماه ۱۳۶۱

عملیات محرم - دهلران

آرام نشست رو به رویم، به حیاط چشم دوخت، نگاهش
جست و خیز گنجشک‌ها را در میان شاخ و برگ درخت
حیاط دنبال کرد، لبخندی زد و نفس عمیقی کشید.
چشمانش را لحظه‌ای بست و گفت روستای مان زیبا
بود. کوچه باغ‌هایی که در یک طرفش جوی آبی بود
در امتداد درختان سرو و باغ‌های میوه‌ای که از زیادی
محصول شاخه‌های‌شان به روی زمین خم شده بود و در
حال شکستن بود. صبح‌هایش مزه‌ی توت خنک می‌داد و
ظهرهایش بوی نان تازه.

روستایی با جمعیت اندک و مردمی با صفا و خون گرم به دور از
دروغ و ناراستی، همه یک‌رنگ بودند و صمیمی، آن‌طور که غم
یک نفر غصه‌ای می‌شد بر دل‌های همه و شادی یک نفر لبخندی
می‌شد بر لب‌های‌شان.

در خانواده‌ای پر جمعیت و مملو از عشق به دنیا آمدم. پنج خواهر
و دو برادر داشتم. فاطمه، گوهر و زهرا از من بزرگ‌تر بودند و
عصمت و عزت کوچک‌تر. خودم هم دختر چهارم خانواده بودم.